



تالیف:

دکتر حسان شمسی باشا

مشاور امراض قلب در بیمارستان نیروهای مسلح ملک فهد جدّه

عضو هیئت علمی دانشگاه ملی پزشکان در لندن

عضو هیئت علمی دانشگاه ملی پزشکان در کلاسکو

عضو هیئت علمی دانشگاه ملی پزشکان در ایرلند

عضو هیئت علمی دانشگاه پزشکان قلب آمریکا

ترجمه:

اسدالله ریگی

مدرس موزه علمیه ممدیه، جامع جم زاهدان

کتابفروش طیبین

www.Tayyebin.Net

۰۹۳۸۴۶۴۶۶۱۹

فهرست مطالب

سخن مترجم	۹
مقدمه	۱۳
فصل اول	
رفتارهای جاودانه‌ی جوانان	۳۰
اول: دو فرزند آدم:	۳۰
دوم: با ما سوار شو:	۳۰
سوم: به آنچه که امر شده‌ای انجام ده:	۳۱
چهارم: جوان قوی و پاکدامن	۳۱
پنجم: جوانانی از اصحاب رسول خدا <i>صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</i>	۳۳
ششم: مسابقه برای جهاد:	۳۴
هفتم: شماری از موقعیت های ایستادگی و مقاومت:	۳۸
فصل دوم	
سرگرمی‌های بیهوده‌ی جوانان	۴۲
اول: تفریحات بیهوده با تلفن همراه:	۴۲
دوم: جوانان و اتومبیل‌ها:	۴۳
سوم: جوانان و اینترنت:	۴۴
چهارم: جوانان و بازی‌های الکترونیکی:	۴۵
پنجم: سایت‌های مجاز و مبتدل:	۴۶
ششم: جوانان در کافی‌نت‌های اینترنتی:	۴۷
هفتم: چرا کافی‌نت‌های اینترنتی گسترش یافته‌اند؟:	۴۸
فصل سوم	
وقت خویش را هدر نده	۵۲
اول: وقت نعمت است قدرش را بدان:	۵۲
دوم: سرگرمی، رقص و آواز:	۵۳
سوم: درینا بر آن اوقات:	۵۵
چهارم: عمر واقعی تو:	۵۶
پنجم: خودت را منزوی مگردان.	۵۷
ششم از تأخیر و این که بگویی بزودی انجام می‌دهم به زودی انجام می‌دهم بپرهیز:	۵۸
هفتم: تصاویری از غنیمت شمردن وقت	۵۹
هشتم: از وقت خویش بهره برداری کن: ...	۶۱
نهم: چگونه از یک دقیقه عمر بهره‌برداری می‌کنی	۶۳
فصل چهارم	
نجوا و زمزمه‌ای در رابطه با تعطیلات	۶۸
اول: رفیق سfort را برگزین:	۶۹
دوم: اوقات فراغت خویش را چگونه سپری می‌کنی؟	۶۹
فصل پنجم	
در انتخاب دوست، تحقیق و جست‌وجو کن	۷۴
فصل ششم	
نجوایی در رابطه با دوست داشتن	۸۲
اول: اسلام و دوست داشتن:	۸۲
دوم: دوست داشتن آزمایش است:	۸۳
سوم: درد جوانان:	۸۴
چهارم: دعوتگران به سوی شر و بدی:	۸۸
پنجم: عاطفه و علاقه را از بین نبرید بلکه آن را اصلاح کنید:	۸۸
ششم: درد این است پس درمان چیست؟	۹۱
هفتم: چگونه از زنا فاصله بگیری؟	۹۹
چرا راه‌های سه‌گانه نفوذ شیطان را مسدود نمی‌کنی؟:	۱۰۰
هشتم: راه حل در اختلاط نیست:	۱۰۱
نهم: کسی که در شهوات زیاده روی می‌کند سیر نمی‌گردد:	۱۰۱
دهم: یکی در مقابل یکی و اگر اضافه می‌کردی ساقی نیز می‌افزود:	۱۰۲

- ۱۴۴ ایدز بیماری جهان گیر
- ۱۴۵ اول: ایدز از طاعون نیز کشنده تر است:
- دوم: نیمی از افراد مبتلا به ایدز از بیماری خویش بی خبرند ۱۴۵
- سوم: ایدز چیست؟ ۱۴۶
- چهارم: ایدز در جهان عرب: ۱۴۹
- دوم بیماریهای جنسی ۱۵۲
- سوم: همجنس گرایی "لواطت" ۱۶۱
- اول: آیا همجنس گرایی یک امر فطری و طبیعی است؟: ۱۶۳
- دوم: خطرات و پیامدهای وخیم همجنس گرایی: ۱۶۴
- سوم: عادت پنهانی استمناء ۱۶۶
- فصل یازدهم
- از مصرف مشروبات الکلی پرهیز ۱۷۲
- اول: آیا در مصرف اندکی از شراب فوایدی وجود دارد؟ ۱۷۴
- فصل دوازدهم
- از مصرف مواد مخدر پرهیز ۱۸۰
- اول: دسته تریاک و آنچه که از این ماده تولید می شوند: ۱۸۲
- دوم: دسته حشیش (ماریجوانا) (شاهدانه) و کیف: ۱۸۳
- سوم: دسته تحریک کننده (مهیج): ۱۸۵
- چهارم: دسته مخدرات توهمزا: ۱۸۶
- پنجم: داروهای خواب آور: ۱۸۷
- ششم: موادی که ذوب شده و ذرات آن در هوا منتشر می شود: ۱۸۷
- هفتم: تأثیر مواد مخدر: ۱۸۸

- فصل هفتم
- همسری نیک برای خویش برگزین ۱۰۶
- اول: همسر صالحی برگزین: ۱۰۶
- دوم: ویژگی های زن دین دار: ۱۰۶
- سوم: ازدواج بر مبنای عشق و علاقه: ۱۰۹
- چهارم: دوست داشتن قبل از ازدواج: ۱۰۹
- پنجم: ازدواج با زنان اهل کتاب: ۱۱۲
- ششم: اسراف در جشن های عروسی: ۱۱۴
- فصل هشتم
- شوهرت را خوشبخت کن ۱۱۶
- فصل نهم
- چرا جوانان به انحراف کشیده می شوند؟ ۱۲۴
- اول: وجود گناهان کبیره در میان جوانان ما: ۱۲۵
- دوم: چرا جوانان به انحراف کشیده می شوند: ۱۲۵
- سوم: در هر چیزی از آنان تقلید کردند: ۱۲۷
- چهارم: قربانی های شهوات: ۱۲۸
- پنجم: خوشبخت نیستند: ۱۲۸
- ششم: داستان های گنهکاران و فاجران: ۱۲۹
- هفتم: دنیا محل رفاه و آسایش نیست: ۱۳۰
- هشتم: آبروی برادرت را حفظ کن: ۱۳۲
- نهم: قلبت پناهگاه و محافظ جسم توست: ۱۳۳
- فصل دهم
- به زنا نزدیک نشوید ۱۳۶
- اول: جوانی از رسول خدا ﷺ ۱۳۸
- درخواست می کند: ۱۳۸
- دوم: نمونه هایی از پاکدامنی: حضرت یوسف علیه السلام ۱۴۰
- اصحاب صخره: ۱۴۰
- جوان عابد: ۱۴۱

- پنجم: از ریا و خودنمایی بپرهیز: ۲۲۵
- ششم: در واقع ایمان همان عمل است: ۲۲۷
- هفتم: عمل و اخلاص: ۲۲۹
- هشتم: سهمت را از دنیا فراموش نکن: ۲۳۰
- نهم: در رابطه با سرمایه و دارایی ات از خدا
بترس: ۲۳۱
- دهم: غنای نفس: ۲۳۳
- یازدهم: عمل نیک انجام بده: ۲۳۴
- دوازدهم: چگونه طعم حلاوت و شیرینی ایمان
را بچشیم؟ ۲۳۶
- فصل شانزدهم _____
- نجوایی در رابطه با تزکیه و تغییر ۲۴۴
- اول: تزکیه: ۲۴۴
- آیا ما تصویری حقیقی برای اسلام هستیم؟! ۲۴۵
- فصل هفدهم _____
- نجوایی در رابطه با زهد و پارسایی ۲۵۶
- اول: حقیقت زهد و پارسایی: ۲۵۶
- فصل هجدهم _____
- نجوایی در گوش افراطیون و سخت گیران ۲۶۰
- اول: انسان دیگری باش: ۲۶۰
- دوم: مهر تکفیر زن: ۲۶۲
- سوم: تغییر عمل ناپسند و منکر: ۲۶۴
- فصل نوزدهم _____
- آیا تو برای پدر و مادرت فرزند صالح و
فرمان برداری هستی؟ ۲۶۸
- اول: مادرت را فراموش نکن: ۲۶۹
- دوم: پدرت را فراموش نکن: ۲۷۰
- سوم: توصیه های کوتاه و سریع: ۲۷۳
- فصل بیستم _____
- چگونه با دیگران برخورد کنی؟ ۲۷۶

- در طرف کسی که توبه
..... ۱۸۸
- چگونه می توانی فرزندان را از مصرف
مواد مخدر محافظت کنی؟! ۱۹۰
- فصل سیزدهم _____
- از استعمال دخانیات بپرهیزید ۱۹۴
- اول: استعمال دخانیات چه عوامل زیانباری را
به دنبال دارند؟ ۱۹۴
- دوم: شرکت های تولید سیگار روزانه چه مقدار
سیگار تولید می کنند؟ ۱۹۷
- سوم: انواعی از تنباکوی عجین شده با عسل ... ۱۹۷
- چهارم: آیا می توان بر اعتیاد به نیکوتین غلبه
یافت؟ ۱۹۸
- پنجم: چگونه سیگار را ترک کنید؟ ۱۹۹
- ششم: حقایقی که به تو در ترک سیگار کمک
می کنند: ۱۹۹
- فصل چهاردهم _____
- نجوایی در گوش کسی که اراده توبه دارد: ... ۲۰۴
- اول: هیچ کس به جز خداوند یاورت نیست: ۲۰۵
- دوم: داستان واقعی: ۲۰۶
- سوم: شوق بازگشت به گناهان: ۲۰۹
- چهارم: افسردگی و احساس شکست و انزوا: .. ۲۰۹
- پنجم: تمسخر به توبه دیگران: ۲۱۰
- ششم: توبه مالک بن دینار: ۲۱۱
- فصل پانزدهم _____
- نجوایی در رابطه با ایمان ۲۱۸
- اول: راه بهشت و راه جهنم: ۲۱۸
- دوم: قوانین جهانی: ۲۲۰
- سوم: مغرور بودن به اعمال نیک: ۲۲۲
- چهارم: دین و دنیا ۲۲۲

- اول: زیانت را محافظت کن: ۲۷۶
- دوم: با مردم با مهربانی برخورد کن: ۲۷۷
- سوم: صدایت را پایین بیاور: ۲۸۰
- چهارم: تو و دیگران: ۲۸۰
- پنجم: متواضع و فروتن باش: ۲۸۲
- ششم: از چیزهای حرام پرهیز: ۲۸۳
- هفتم: چیزهایی که به تو مربوط نیستند: ... ۲۸۴
- هشتم: چشمانت را حفاظت کن: ۲۸۵
- در پایان: ۲۸۵
- نهم: دروغ و خلاف وعده: ۲۸۶
- فصل بیست و یکم
- اسلام و دیگران ۲۹۰
- اول: تو در کشورهای غربی: ۲۹۳
- فصل بیست و دوم
- نحوایی در رابطه با کار و شغل ۲۹۶
- اول: کار و شغل پیامبران: ۲۹۶
- دوم: شغل صحابه رضی الله عنهم: ۲۹۶
- سوم: تو در ازای شغل و وظیفه ات، امانتداری: ۲۹۸
- چهارم: بیکار نباش: ۲۹۸
- فصل بیست و سوم
- چرا امتی که به خواندن دستور داده شد، نمی خواند ۳۰۲
- فصل بیست و چهارم
- زبان عربی ات را تقویت کن ۳۰۶
- اول: اشتباه آمریکا در ژاپن: ۳۰۶
- دوم: جنگ علیه زبان عربی: ۳۰۶
- سوم: مدارس بیگانه: ۳۰۸
- فصل بیست و پنجم
- نحوایی در رابطه با مواجه شدن با شبهات ۳۱۲
- اول: از بین بردن ارزش های اسلام: ۳۱۲
- دوم: ایجاد سوء ظن و شبهات در مورد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: ۳۱۴
- سوم: تجددگرایی غرب زدگی: ۳۱۶
- چهارم: سکولار چیست؟: ۳۱۸
- مهم ترین اعتقادات سکولاری در جهان عربی و اسلامی گسترش یافته عبارتند از: ۳۱۹
- پنجم: آیا اسلام، زندگی کردن را سرکوب می کند؟: ۳۲۰
- ششم: قضا و قدر: ۳۲۳

سخن مترجم

سپاس بی کران پروردگار هستی بخش را که الطاف بی کرانش را بی وقفه متوجه مان ساخت و شاهراه سعادت را به ما نمایاند، و نور عرفان و معرفتش را در قلب ما تابانید و با نسیم هدایتش، به ما قدرت و توانی عطا نمود که بر راه آرامش ابدی و سعادت جاودانه گام نهیم، و درود بی پایان بر وجود گرامی مقصود کائنات محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بر پیروان و رهروان راهش باد.

أما بعد:

دوران جوانی، دورانی حساس، سرنوشت ساز و تعیین کننده شخصیت جوان است. جوانی که از ارزش فوق العاده این دوران آگاه است هرگز آینده و مسیر خود را فراموش نمی کند و بی وقفه و با جدیت می کوشد تا از رهگذر جوانی، توشه های گران بهایی برای بالندگی و ترقی و پیشرفت آینده اش برگیرد. اما آیا تا به حال به این اندیشیده است که مسیر پیشرفت و بالندگی را باید به چه صورت پیماید؟! آیا برای پیمودن و توشه گرفتن از این مسیر، به راهنما و الگو نیاز ندارد؟ آیا این جوان بی نیاز از راهنما و راهبر می تواند به رشد و شکوفایی و پویایی و اهداف خود برسد؟ چرا که او در این دوران بیش از پیش احساس استقلال می کند، و می خواهد این دوران را طبق خواسته ها و با عقل و منطق خویش سپری کند؛ بنابراین با هر چیزی که برخلاف عقل و منطقش باشد مخالفت کرده و از خرافات و تقلید کور کورانه پرهیز می کند! پس بدون شک جوانان برای موفقیت و افزایش دانش و مهارت ها و رسیدن به اهداف والا، نیازمند عواملی هستند که بتوانند آنان را به مسیر صحیح رشد و شکوفایی راهنمایی کرده و به طرف آن سوق دهند، اما آن عوامل، چه عواملی هستند؟

عواملی که بتوانند بدون اینکه جوانان را محدود ساخته یا آنان را به تقلید کور کورانه از خودشان وادار سازند، ضامن سعادتشان قرار گیرند؛ چرا که جوانان در جستجوی محیطی هستند تا در آن رشد ذهنی یابند و خلاقیت خویش را به نمایش بگذارند و رفتارشان مورد تأیید قرار گیرد! اما این نامحدود بودن و آزادی بدین معنا نیست که دین را حذف کرده و طبق خواسته‌ها و امیال نفسانی خویش پیش روند؛ چرا که در عصر حاضر احزاب و تشکلات سازمان یافته‌ای به وجود آمده‌اند که سعی می‌کنند جوانان مسلمان را با شعار آزادی و رهایی از عقب ماندگی بفرینند و به طرف خود جذب کنند و راه گمراهی را برای آنان هموار ساخته و در منجلاب ضلالت و شهوات غرق سازند تا نور حق و پاکی را با سامان دهی اهداف پلید و شیطانی خود، خاموش سازند!

آری! این داعیان شر جهت گمراهی و تخریب روحیه و تضعیف ایمان جوانان مسلمان از هیچ روشی دریغ نورزیده‌اند؛ چرا که در هر امت و ملتی، جوانان تأثیر بسزایی در شکوفایی و بقای آن ملت و امت دارند؛ بنابراین تنها عاملی که باعث نجات جوانان مسلمان از این مهلکات می‌شود داشتن ایمانی قوی و استوار است! و همچنین پرورش جوانان در محیطی سالم و بدور از افراط و تنش و تعصب، نقش بسزایی را در داشتن ایمانی استوار ایفا می‌کند! مگر نه این است که انسان تحت تأثیر افرادی که پیرامونش را احاطه کرده‌اند، قرار می‌گیرد و کم و بیش از آنان الگو برداری می‌کند؟! بنابراین اگر جوانان در محیطی صالح و سالم و توسط والدینی صالح و متعهد و متدین پرورش یابند، قلب و ذهنشان تحت تأثیر مکر و نیرنگ دشمنان اسلام قرار نمی‌گیرد چرا که با ذهنی آگاه و قلبی سرشار از ایمان به دنبال اهداف خویش در مسیر آینده گام بر می‌دارند و برای اینکه در این مسیر از لغزش‌ها و نیرنگ داعیان شر، مصون بمانند باید علاوه بر داشتن ایمانی قوی، الگویی درست و نمونه را نیز برگزینند، الگویی همچون جوانان

صدر اسلام که با استقامت و بردباری و ایمان استوار و به حول و قوه الهی سبب انتشار و گسترش دین اسلام در سراسر جهان شدند و نام خود را در تاریخ به ثبت رساندند که هرگز از اذهان دوستداران و دشمنانشان بیرون نمی‌روند!

جوانان نه تنها باید اوقات خویش را غنیمت شمرده و آن را ضایع نسازند بلکه باید با هدفمند سازی اوقات خویش در پی سعادت و مقاصد خویش باشند، و با اتکاء به ایمان و اخلاق حمیده و الگو برداری از بزرگ‌مردان تاریخ و پیرامونشان، اهداف بدخواهانشان را ناکام بگذارند.

اما باید توجه داشت که فقط این عوامل، برای رشد و هدایت جوانان کافی نیستند بلکه داعیان و مبلغان دین باید با جوانان ارتباط دوستانه‌ای برقرار نمایند و از سخت‌گیری افراطی برحذر باشند، دین را به صورت صحیح و شیرین، آن گونه که هست و متناسب با فهم جوانان معرفی نمایند، در ابتدا، خود داعیان، عاملان به اعمال دینی و مزین به اخلاق اسلامی باشند و الگوی عملی جامعه قرار گیرند.

در رابطه با جوانان و عوامل سعادت و پیشرفت آنان، سخن بسیار است. همچنین کتاب‌های بسیاری در این زمینه تألیف شده است که از جمله کتاب «همسه فی آذن شاب» حسان شمسى باشا می‌باشد که با بررسی همه جوانب، مشکلات و نیازهای جوانان را در خود گنجانده و راه‌هایی را برای رهایی از آن مشکلات ارائه داده است، لذا با توجه به اینکه نیاز به چنین کتابی برای قشر جوانان، محسوس می‌شد لذا تصمیم گرفتم با ترجمه این کتاب ارزشمند، وظیفه و دین خود را نسبت به جوانان و آیندگان این مرز و بوم ادا نمایم امیدوارم خداوند متعال تلاش ناچیز این بنده حقیر را بدون اجر و پاداش قرار ندهد.

به نوشتهٔ بندهٔ محتاج پروردگار بی‌نیاز:

اسدالله ریگی

(عضو انجمن تحقیق و ترجمهٔ مکتب فاطمه الزهراء چهارراه رسولى)

پنج شنبه ۲۵ / ۸ / ۱۳۹۶ مصادف با ۲۷ / ۲ / ۱۴۳۹

مقدمه

انسان در دوران کودکی، طفلی آرام است، و خودش به تنهایی برای انجام کارها تصمیم نمی‌گیرد زیرا فرمان بردار پدر و مادر و معلمانش است. اما به محض اینکه دوران کوتاه کودکی به سر می‌رسد، جای آن کودک آرام را جوانی قد بلند که سرشار از هوش و ذکاوت و شور و عاطفه است می‌گیرد که برای انجام کارهایی که در گذشته از انجام آنها عاجز بود، به پا می‌خیزد و تلاش می‌کند سلطه کارهایش را به عهده بگیرد، و حتی از اینکه فرمان بردار پدر و مادر و معلمان مدرسه باشد سر باز می‌زند و خودش عهده دار کارها و تصمیماتش می‌شود. در این هنگام غریزه جنسی اش شعله ور می‌گردد و بر تمام افکار و عواطفش مسلط می‌شود. و غریزه دینی اش نیز تحریک می‌شود، چنان که روانشناسان می‌گویند: بیشترین تغییرات در انسان در دوران بلوغ بین ۱۵ تا ۲۵ سالگی ظاهر می‌شوند. روانشناس "ستاربک" می‌گوید:

اگر قبل از (۲۰) سالگی در وجود انسان تحول دینی ایجاد نشود، بعد از آن نیز بسیار کم بوجود می‌آید اما "ستانلی هول" بیش از چهار هزار مورد را بررسی و مطالعه کرده و اقرار می‌کند که تحول دینی اکثراً در سن (۱۶) سالگی ایجاد می‌شود. بنابراین، این مرحله در سن جوانی بسیار مهم تلقی می‌شود چراکه مرحله‌ای است که در آن احساس زنده دینی، بیدار می‌شود.

اما کار در اینجا به پایان نمی‌رسد زیرا برخی از جوانان در این مرحله نیز دچار شک و تردید در دین می‌شوند که آن نیز از علائم بارز دوران جوانی است. هنگامی که مسئولین از ارتباط خونی، تربیتی، روحی و عاطفی جوانان روی گردان می‌شوند آنان چه راهی در پیش گیرند؟ زمانی که پدران و مادران از آنها روی گردان می‌شوند و فقط به توشه دادن، محل سکونت، غذا و لباس آنها اکتفا می‌کنند!! و زمانی که مریدان فقط به کمک

کردن آن‌ها در علوم، فنون، کتاب‌ها و سخنرانی‌ها اکتفا می‌کنند. جوانان چه راهی در پیش گیرند؟

زمانی که مردان دین از آن‌ها روی گردان می‌شوند و به ابلاغ سخنرانی‌ها و موعظه‌ها برای کسانی که هفته‌ای یک بار نزد آنان حاضر می‌شوند بسنده می‌کنند این قشر از جوانان چه راهی در پیش گیرند؟ درحالی‌که پیش رویشان، راه‌های گوناگونی از لهو و لعب از جمله تلویزیون، اینترنت، سینما و سالن‌های تئاتر و آنچه در کتاب‌ها و مجلات می‌خوانند می‌یابند!!

آیا نتیجه طبیعی این نیست که آن‌ها ساده‌ترین راه‌ها را برای پاسخ دادن به نیازهایشان انتخاب کنند و آن‌ها را در همه جا دنبال کنند؟!

و بدتر از این، و همچنین چیزی که بیشتر باعث فرورفتن جوانان در این خوشگذرانی‌ها و کارهای بیهوده و فریبنده می‌شود این است که جوانان، کسانی را که مسئولیت خود را فراموش کرده و رهبری و جهت دهی آنان را رها کرده‌اند، را می‌بینند که در این کارهای بیهوده و فریبنده از جوانان سبقت گرفته و آن‌ها را قانون زندگی خود قرار داده‌اند!

بدان‌که، جوانان مانند مسافرانی در سرزمین جدیدی هستند که دارای راه‌های پر پیچ و خم است. بنابراین برای این مسافران یک برنامه سفر، یا نقشه و یا راهنمایی که راه را به آنها نشان دهد ضروری است.

ساختن یک شخصیت خوب و برابر بهترین وسیله جوانان برای دست یافتن به این راهنما یا نقشه است، شخصیتی که بتواند در وجودش یک نگهبان درونی برای کارها و اقداماتش ایجاد کند و از خلال یک ساختمان که با قواعد ایمانی استوار و بر پایه و اساس سرشتی پاک متکی باشد و با گفت و گویی اساسی و آرام صورت گیرد.

بدان که، سالم بودن جوانان اسلامی، در صدر اسلام به پرورش یافتن جوانان در محیطی صالح و در میان والدینی مسلمان و متعهد که الگو و مثالی نمونه در ایمان و اطمینان برای جوانان بودند، بر می‌گردد. زیرا ایمان، قوی‌ترین ضامن برای سلامت رفتار بشری است.

واژه ایمان بر گرفته از امن و امان است، زیرا قلب را سرشار از آرامش می‌کند و باعث ایجاد اعتماد به نفس می‌شود و همانند دیواری استوار میان مؤمن و شک و تردید قرار می‌گیرد، شکی که لفظ آن به معنای عذاب وجدان و درد است و بر اندیشه دلالت دارد دیواری که از افتادن جوانان در چنگال گناهان جلوگیری می‌کند.

قرآن کریم در آیات متعددی تصویری زیبا از یک مؤمن و تصویری از کسی که ایمان و عقیده‌ای ندارد را به نمایش می‌گذارد.

خداوند متعال در این آیه چنین مثالی بیان می‌فرماید: ﴿أُوْمَنَ كَان مِيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ [انعام: ۱۲۲] و در جایی دیگر می‌فرماید:

﴿حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ ۚ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيحٍ﴾ [حج: ۳۱]

این آن چیزی است که ضرورت وجود عقیده ایمانی را در سینه جوانان تأکید می‌کند تا راه و روش درست را بشناسند و رفتارشان را کنترل کنند.

اولین سبب از اسباب ایجاد این شک، عملکرد عده‌ای از مریبان دینی است که دین را به دانش آموزان در زمان کودکی آموزش می‌دهند و آن را با تصویری ساده به نمایش می‌گذارند

که نمی‌تواند مراحل رشد عقلی آینده را طی کند و پاسخگوی سؤالات و نیازهای دوران جوانی و رشد عقلی باشد.

اینجا گروه‌هایی هستند که برای گمراه کردن جوانان با هم در رقابت هستند و در هدفشان که کمتر از نابود شدن دین اکتفاء نمی‌کنند.

در پایان گروه‌هایی نیز هستند که به راه‌های فریبده دیگری اهتمام می‌ورزند و تصمیم دارند در نفوس جوانان و عموم مردم عدم پابندی به دین و غرق شدن در زندگی مملو از خواهشات را نهادینه کنند و مردم را به سوی آن شهوات روانه سازند. بدرستی که جوانان ستون‌های عصر حاضر و امیدهای آینده هستند.

برادرم! به یاد داشته باش، همانطور که شیخ علی طنطاوی رحمته الله علیه می‌فرماید: «دعوت‌گران شر هیچ‌گاه خسته نمی‌شوند زیرا تلاش چندانی به کار نمی‌برند بلکه خستگی تلاش و کوشش از آن داعیان خیر است!! زیرا دعوت‌گران شر به سوی آنچه که نفس تمایل دارد از جمله عورات برهنه و خواهشات حرام سوق می‌دهند. اما نزد داعی خیر چیزی جز منع کردن و بازداشتن نیست»!!

دختری برهنه را می‌بینی، به آرایش صورت و بدنش تمایل پیدا می‌کنی، داعی خیر به تو می‌گوید: چشمانت را محافظت کن او را رها کن و به او نگاه نکن!

تاجر، سود زیادی را در ربا می‌بیند که بدون سختی و زحمت بدست می‌آید، داعی خیر به او می‌گوید: از آن رویگردانی کن و دستانت را به سوی آن دراز نکن.

کارمند، همکارش را می‌بیند که در یک دقیقه معادل حقوق ۶ ماه رشوه می‌گیرد داعی خیر به او می‌گوید: رشوه را نگیر و از آن استفاده نکن.

داعی خیر به همه می‌گوید این لذات زود گذر را ترک کنید تا به لذات غیبی آینده برسید.

بدرستی که از شگفتی‌های حکمت الهی اینست که برای انسان‌های نیکوکار و متدین در کنار ثواب، سلامتی و نشاط را نیز قرار داده است و با انجام گناه و کار بد علاوه بر سزای آن، بدی‌هایی مانند عقب ماندگی و بیماری نیز قرار داده است.

گاهی یک مرد که هنوز ۳۰ ساله نشده است به خاطر خصلت‌های بد و انجام مهلکات مانند یک مرد ۶۰ ساله به نظر می‌رسد و یک مرد ۶۰ ساله به خاطر عفاف و پاکدامنی مانند جوانی ۳۰ ساله به نظر می‌رسد.»

• هرگاه گناه کردی به سوی خداوند توبه کن. هر بار به طرف آن گناه بازگشتی توبه و شرایط آن را تح - کن. و در مورد آن سستی نکن و به سوی نماز برخیز و حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را به یاد داشته باش که فرمودند:

«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُذِيبُ ذَنْبًا، ثُمَّ يَتَوَضَّأُ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى لِدَٰلِكَ الذَّنْبِ؛ إِلَّا غَفَّرَ لَهُ»^۱

«هیچ مسلمانی نیست که گناهی مرتکب شود، سپس وضو بگیرد و ۲ رکعت نماز بخواند سپس به خاطر ارتکاب آن گناه از خداوند متعال آمرزش بخواند، مگر اینکه خداوند گنااهش را می‌آمرزد.»

• برادرم! به سوی پروردگارت باز گرد، خداوند، فقط پروردگار توبه کنندگان نیست بلکه پروردگار گناهکاران نیز می‌باشد پس نا امید نباش، حتی اگر با گناهی به اندازه پری زمین، بدون اینکه شرک کرده باشی به سوی خداوند رجوع کنی، خداوند متعال در عوض آن با بخششی به اندازه پری زمین به سویت می‌آید از خداوند کمک بخواه و به سوی او

۱. رواه أحمد.

رجوع کن تا برای ظاهر کردن حق، تو را نصرت کند و به خاطر اینکه از او پیروی کرده‌ای تو را روزی دهد.

- بدان که هر اندازه از دین دور شوی در نهایت، راهی به جز خداوند برایت وجود ندارد. به بیمارستان‌ها نگاه کن که چند نفر از جوانان در آنجا درد می‌کشند. پس به سلامتی‌ات مغرور نباش! به قبرستان نگاه کن که چه تعداد از جوانان که در اثر تصادف یا مرگ ناگهانی فوت کرده‌اند، در آن مدفون شده‌اند در حالی که برای این ملاقات آماده نبودند!!
- فکر نکن که چون فقط خداوند را عبادت کرده‌ای، پس لازم است در امتحان این دنیا بدون عمل و مذاکره موفق شوی! و حقوق زیاد و روزی کافی را در حالی که در خانه‌ات نشسته‌ای دریافت کنی!!

و این‌که به چیزهای سودمند دنیا بررسی بدون این‌که خود را خسته کنی و کاری انجام بدهی!!

آیا این‌گونه نیست که وقتی خداوند را عبادت می‌کنی بر خداوند نیز لازم و ضروری است که به تو بدهد؟!

اگر اینگونه فکر می‌کنی بدان که خیالاتی هستی. یا اینکه اشتباه متوجه شده‌ای که اطاعت از خداوند باید چنین نتیجه‌ای داشته باشد!!

حدیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم را به یاد داشته باش که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يُعْطِي الدُّنْيَا لِمَنْ يُحِبُّ وَلِمَنْ لَا يُحِبُّ، وَتَأْتِي الدِّينَ إِلَّا لِمَنْ أَحَبَّ»^۱

(همانا خداوند دنیا را به هرکسی که چه او را دوست داشته باشد و چه دوست نداشته باشد، می‌دهد، و اما دین را به غیر از محبوبان خود به کسی دیگر نمی‌دهد).

^۱. رواه أحمد.

- برادرم! فکر نکن که پیشرفت علمی بدون ایمان، و مال بدون ورع و پرهیزگاری فایده دارد. بلکه چنین مالی و بالی بر صاحبش است. افسوس که دنیا و دینار جوانان و مردم را از آخرت و قرآن غافل کرده‌اند.
- از اینکه فکر کنی به خاطر تقوا و عبادتت بر دیگران برتری داری پرهیز؛ بدان که بهترین مردم از نظر خشیت و ترس الهی آن کسی نیست که گناهکاران را حقیر بداند بلکه کسی است که دلسوز گناهکاران باشد و آنان را به راه هدایت و توحید راهنمایی کند، رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «بِحَسْبِ امْرَأٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ»^۱ (برای بدی شخص همین اندازه کافی است که برادر مسلمانش را حقیر بشمارد).
- از اینکه به اعمال صالحه ات مغرور شوی و به خاطر اعمال خیری که انجام داده‌ای بر خداوند منت بگذاری پرهیز؛ زیرا این رفتار اعمال تو را نابود و ضایع می‌گرداند.
- با دیگران به نیکی رفتار کن، زیرا مردم بدی شخص را فراموش نمی‌کنند حتی اگر او را ببخشند، در مقابل بدیشان به آن‌ها نیکی کن، و نیکی به اهل و خانواده‌ات به طور ویژه و خاص باشد؛ زیرا رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ»^۲ (بهترین شما، بهترین شما با خانواده‌اش است).
- زمانی که تیر نگاه پلیس در قلبت فرو رفت آن را از قلبت خارج کن، زیرا رسول خدا صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

«النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ، مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي أَبَدْتَهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ»^۳

^۱. رواه مسلم.

^۲. رواه الترمذی، وقال: حسن صحیح.

^۳. رواه الطبرانی.

(نگاه تیری ستمی از تیرهای شیطان است و هر کس آن را به خاطر ترس از من (خداوند) رها کند. در عوض به او ایمانی می‌دهم که شیرینی آن را در قلبش احساس کند).

• از مجله‌های گمراه کننده و عکس‌های مبتذل، آوازهای غیراخلاقی، و ویدیو کلیپ‌هایی که شأن انسان را پایین می‌آورند پرهیز کن.

یکی از دشمنان اسلام می‌گوید: «جام شراب و زن آوازه خوان، طوری امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نابود می‌کند که هزار توپ و تانک توانایی آنرا ندارند. بنابراین، امت محمد را در محبت مادیات و شهوات غرق کنید».

• وقت را بیهوده ضایع نکن، باید بدانی کسی که وقتش را در جلسات رقص و کاباره، فیلم‌ها، آوازا و نشست‌های طولانی پای اینترنت و چت ضایع می‌کند. به زودی به خاطر ضایع کردن این اوقات افسوس می‌خورد.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا قَعَدَ قَوْمٌ مَّقْعَدًا لَمْ يَذْكُرُوا فِيهِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَيُصَلُّوا عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَّا كَانَ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۱ (هر گروهی که در مجلسی بنشینند و خداوند عزوجل را در آن جلسه یاد نکنند و بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درود نفرستند، این جلسه و این عمل در روز قیامت سبب حسرت و افسوس آن‌ها می‌شود).

• زمانی که جوان شدی درباره عروس آینده‌ات تحقیق کن و حدیث رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به یاد داشته باش که فرمودند:

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِعِزِّهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا ذُلًّا.

وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَسَبِهَا لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ إِلَّا دَنَاءً.»

^۱ . رواه أحمد و الترمذی، و رجاله رجال الصحیح.

وَمَنْ تَزَوَّجَ مِنْ امْرَأَةٍ لَمْ يَرِدْ بِهَا إِلَّا أَنْ يَغُضَّ بَصَرَهُ، وَيُحْصَنَ فَرْجَهُ، أَوْ يَصِلَ رَحِمَهُ، بَارَكَ اللَّهُ لَهُ فِيهَا وَبَارَكَ لَهَا فِيهِ»^۱

(هرکسی با زنی به خاطر عزت و بزرگی اش ازدواج کند خداوند به او چیزی جز ذلت اضافه نمی‌کند، و هرکسی به خاطر نسبش با او ازدواج کند خداوند به او چیزی جز بیچارگی و پستی نمی‌افزاید، و هر کس با زنی ازدواج کرد و اراده‌ای جز حفاظت چشم، و شرمگاهش و به دست آوردن رحمت خداوند را نداشت، خداوند متعال هر دو طرف را برای همدیگر مبارک قرار می‌دهد).

- از این‌که شیطان به تو بخندد و عملت را به ریا و خودنمایی تغییر دهد، برحذر باش زیرا آن عملت را به خاطر دنیا می‌گرداند.
- آیا نمی‌دانی که مردی صدقه داد و به جهنم رفت!! دومی جهاد کرد و کشته شد ولی او نیز به جهنم رفت؟! زیرا اولی صدقه داد تا به او گفته شود که صدقه داده است و همانطور هم گفته شد!! و دومی جهاد کرد تا به او گفته شود که فلانی شجاع است و همانطور هم گفته شد!!
- با آبرو و اوقات دیگران، خود را سرگرم نکن. برخی از جوانان، با دکمه‌های تلفن یا موبایل مشغولند و وقتشان را با بازی کردن با آبروی مردم تلف می‌کنند، حتی از شنیدن ناسزاهای دیگران که از پشت تلفن به آن‌ها می‌گویند لذت می‌برند.
- برخی از جوانان وقتشان را با بازی و ویراژ با ماشین‌ها و در سرگردانی و فریب کاری می‌گذرانند و با این کار فکر می‌کنند که تماشاچیان و افراد حاضر، آنها را تشویق کرده و از کارشان به شگفت می‌آیند!!

سوگند به خدا این عمل، جوانمردی و عملی که شایسته ترس از خداوند باشد نیست!!

۱. رواه الطبرانی.

• ساعات طولانی را با اینترنت و چت کردن بدون فایده یا در بازی‌های الکترونیکی سپری نکن.

سعی کن از اینترنت برای بدست آوردن معلومات و ایده‌های جدید یا عبرت مفید استفاده کنی و برادر و یا همکاری را نصیحت کنی، یک بحث جدید بخوانی و برنامه خوب علمی را جست و جو کنی. اگر تو این‌گونه باشی. از جمله کسانی هستی که مستحق پاداش و خیر بسیار از جانب خداوند متعال طبق فرموده‌شان می‌باشند.

• برگزیدگان و صالحان را همراهی کن و از مجالست با بدان دوری گزین و همراهی اصحاب رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در قلبت فراموش نکن. تا با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در دنیا و آخرت همراه باشی.

برادرم! از افراط و تفریط پرهیز کن. بهترین اعمال نزد خداوند اعمالی هستند که موافق با شریعت الهی و همیشگی و دائمی باشد حتی اگر کم باشند.

• مادرت را فراموش نکن. آیا امروز دستان مادرت را بوسیده‌ای؟! آیا سرت را بر سینه‌اش تکیه داده‌ای؟ آیا با کلمه‌ایی محبت‌آمیز و عاشقانه گوش او را نوازش کرده‌ای؟ آن را تجربه کن و طعم سعادت را که قلبت را ملامال می‌کند احساس کن. آن را تجربه کن و شیرینی و حلاوت رضایت الهی را احساس کن؛ زیرا رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «رِضًا اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ»^۱ (رضایت خداوند متعال در رضایت والدین است).

• هنگامی که برخی از جوانان به اسلام متعهد و پایبند می‌شوند، اولین کاری که انجام می‌دهند اینست که پدر و مادرشان را از خود متفر می‌سازند به گونه‌ای که خانواده‌ای

^۱ . رواه البزار.

می‌گوید: «روز نحس همان روزی بود که فرزندم دیندار شد». اگر این‌گونه است بدان که عیب در وجود تو است. و کوتاهی از سوی تو است زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ وَصَاحِبَهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ﴾ [لقمان: ۱۵]

(اگر تو را به شرک خداوند که آن را برحق نمی‌دانی وادار کنند در این صورت امر آن‌ها را اطاعت مکن و لیکن در دنیا با آن‌ها با حسن خلق مصاحبت کن).

- بر تو لازم است که بر همگان ثابت کنی که استقامت تو بر شریعت الهی بر وقار و آرامش تو افزوده است، اگر روزی بر نفرت و عدم طاعت عادت داشتی، اکنون کاملاً دگرگون شده‌ای و تبدیل به یک جوان مطیع و هدایت‌گر شده‌ای. زمانی که پدرت صدا بزند، تو اولین کسی هستی که جواب می‌دهد. و زمانی که مادرت درخواست کاری بکند. تو اولین کسی هستی که قبول می‌کند اگر خانواده‌ات با مشکلی برخورد بکنند، تو اولین کسی هستی که در کنارشان می‌ایستد. تو با این رفتار عملی، آن‌ها را به طرف شیرینی ایمان فرا می‌خوانی و خودت را از آتش جهنم نجات می‌دهی خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ﴾ [تحریم: ۶]

(ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتش محفوظ نگه دارید آن آتشی که هیزم آن مردم و سنگ خارا می‌باشند).

- اگر برخی از اعضای خانواده‌ات با تو مخالف هستند، با آنان به نیکی رفتار کن و مخاصمه نکن و درگیر نشو و صدایت را بر آنان بلند نکن و آنان را با حکمت و نرمی و پندی نیکو بدون مشاجره و درگیری به سوی راه خدا فرا بخوان.

اگر در میان خانواده‌ات کسی است که به تو افتخار می‌کند و دوست دارد همانند و همتای تو باشد. اگر از تو بزرگ‌تر است. او امرش را تا زمانی که در محدوده اطاعت از خداوند باشند. اطاعت کن و به او احترام بگذار و از او قدردانی کن و اگر از تو کوچک‌تر است، بر تو لازم است که مراعات حال او را بکنی.

زمانی که این کار را انجام دادی، تو آن راهی را رفتی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای ما ترسیم نموده است؛ هنگامی که برایشان وحی نازل شد به سوی خدیجه متوجه شدند و از حالتشان نزد وی شکایت کردند و خدیجه ایشان را دلداری داد و به رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان آورد و بعد از آن پسر عمویشان علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را که با آنان در یک خانه زندگی می‌کرد دعوت داد و اینچنین دایره اسلام توسعه یافت.

- اگر خواهران و دخترانی داری راهنمای آن‌ها باش، با آن‌ها به نیکی رفتار کن اگر متعهد به اسلام نیستند آن‌ها را با نرمی به سوی نماز و حجاب دعوت بده و اگر دعوتت بر یکی از آن‌ها تاثیر گذاشت، بدان که تو یک خانواده را اصلاح کرده‌ای؛ زیرا این خواهر، مادر آینده و مربی کودکان است.

- برخی از جوانان، نعوذ بالله به محض اینکه از علم شرعی چیزی بدانند، مهر تکفیر را در یک دست و کلید بهشت را در دست دیگرشان نگه می‌دارند و میان مردم حرکت می‌کنند و آن‌ها را به سوی دین بدون فهم و دانش و خرد دعوت می‌دهند، اگر کسی دعوت‌شان را قبول نکند، او را مرتد می‌دانند و با کلید بهشت به سوی آن‌ها اشاره می‌کنند و قسم می‌خورند که هرگز داخل بهشت نمی‌شوند سپس آن‌ها را رها کرده و به سوی دیگران می‌روند. تا این که مردم را می‌بینی که چهره‌هایشان با مهر تکفیر خط خطی شده است. بعد می‌خوابند و استراحت می‌کنند و با خود فکر می‌کنند حق خداوند و دینش را ادا کرده‌اند

یا آن‌ها را رها می‌کنند و آبادیشان را برای شیاطین جنی، و انسی می‌گذارند که آن‌ها را هلاک کنند.

- برخی از جوانان، یک حدیث یا تفسیر یک آیه را می‌خوانند و آن را به دور از محدوده فقهی اش می‌فهمند. و با همان فهم اشتباه، برای هر شخصی که می‌بینند با عجله و شتاب تبلیغ می‌کند و با هر کسی که مخالف باشند حتی با دینداران مقابله می‌کنند و آن‌ها چنگ زدن به فهم و اصرار ورزیدن به موقعیتشان را افزایش می‌دهند. تا جایی که شروع به تفرقه افکنی میان جوانان مسلمان می‌کنند!!

از اینکه محبت دنیا در قلبت جای بگیرد و نیتت از عمل برای گسترش اسلام به جاه طلبی و منصب یا مال متغیر شود پرهیز کن. چیزی که بر هر مسلمان لازم است اینست که دنیا در دستانش باشد نه در قلبش!

- از بزرگ‌ترین اشتباهاتی که عده‌ایی از مفهوم حقیقی زهد در دنیا در یافته‌اند انتخاب فقر و محرومیت و ترک چیزهای پاکیزه است! بدان که حقیقت زهد در دنیا پاک بودن دل‌ها از محبت دنیاست. و یقین بر این که دنیا سرای عبور و فانی است، نه محل استقرار همیشگی. بنابراین فرد مسکین محبوب خداوند متعال است، آنگونه که امام ابن قیم می‌فرماید: مسکین واقعی، فقیر مال نیست بلکه مسکنت و ذلت قلب او، شکستگی و خشوع و تواضع‌اش در مقابل خداوند متعال است، و این مسکین بودن منافعی با ثروت نیست و شرط آن فقر نیست.

- برخی از جوانان مسلمان فکر می‌کنند که معنای دینداری، دوری از دنیا و کناره‌گیری از آن است.

یکی از آن‌ها را می‌بینی که به خود و شکل ظاهری و هیأتش در میان مردم اهمیت نمی‌دهد به گونه‌ای که برخی از مردم را از دینداری می‌ترساند. بدان‌که برای یک مسلمان شایسته است که در میان مردم الگو و برای آیندگان نمونه باشد. بنابراین لازم است لباسش تمیز و خوشبو و صورتش همیشه خندان و نیکو باشد.

چه کسی دنیا را می‌سازد و از آن استفاده می‌کند؟! ما نیازمندیم که یکی از ما مخترع باشد. هرکس در زمینه تخصص خودش، اگر تو دانش آموزی ما به یک مسلمان طالب علم برتر نیازمندیم. اگر پزشکی، ما به یک پزشک ماهر مسلمان نیازمندیم. همچنین به معلم مسلمان، تاجر درستکار مسلمان، مهندس و ریاضی‌دان مسلمان نیز نیازمندیم.

ما به یک تغییر اساسی در تمام بخش‌های زندگی نیازمندیم، ما به شستن قلب‌ها تا از زنگار و آلودگی‌ها پاک شود نیازمندیم، بدان‌که دل‌ها مانند آهن زنگ می‌زنند. ما به قلبی نیازمندیم که از ایستادن در مقابل پروردگارش بترسد و نفس را از خواهشات نهی کند، و بهشت رحمان جایگاه او باشد.

درست است که تعدادی کتاب درباره نیازهای جوانان تألیف شده است، اما کتابی که جوانان را بدون واسطه مخاطب قرار دهد، بدون شک کم است!

یک مرتبه برای بازدید کتابخانه مشهور علوان در شهر حمص رفتم، دیدم بسیاری از جوانان از کتاب‌هایی سؤال می‌کنند که پاسخ‌گوی سؤالات و مشکلات فکری آنان باشد، همان سؤالاتی که خواب را برای تعداد زیادی از آنان حرام کرده بود.

برادری به نام بسام که از نوادگان مربی مرحوم احمد علوان بود (همان شیخی که بیشتر از نیم قرن مشغول تربیت و فرهنگ سازی جوانان حمص بود و بر اکثر فرهنگیان این شهر منت و احسان بزرگی نهاده بود) از من سؤال کرد چرا به سبک دو کتاب قبلی خود «أسعد نفسک

وَأَسْعَدُ الْآخِرِينَ» و «كَيْفَ تَرْبِي أُنْبَاءَكَ فِي هَذَا الزَّمَانِ» كتاب دیگری که در مورد جوانان باشد و آن‌ها را مخاطب قرار دهی، نمی‌نویسی؟!

این کتابی است که چکیده فکر و محبت خالصانه را در آن به ودیعت گذاشته ام و با تپش‌های قلب و انتهای محبت کلمات آن را به رشته تحریر در آورده‌ام به امید این‌که برای جوانان مشعل و چراغ نور افروزی به سوی هدایت و رستگاری باشد.

از این‌که در این کتاب تو را زیاد نصیحت می‌کنم ناراحت نشو و نصایحم را ناپسند ندان، چرا که خداوند متعال و پیامبرش، مسلمانان را به آنچه که خیر و صلاح‌شان بوده نصیحت نموده‌اند و از نصیحت‌هایم جز خیر و تمام خوبی‌ها، هدف دیگری ندارم. و تو در پذیرفتن و رد کردن نصیحت‌هایم آزادی اما بدان اگر به نصیحت‌های خدا و رسولش عمل کنی به سعادت دنیا و آخرت نائل می‌گرددی و اگر روی‌گردانی کنی، برای خودت در این دنیا و آن دنیا، ذلت و بدبختی به ارمغان خواهی آورد.

بارالها! از تو می‌خواهم برای خواننده و ناشر و نویسنده منفعت و خیر را در این کتاب قرار دهی، و از تو می‌خواهم، آن روزی که مال و فرزند سودی ندارند، این عملم را در ترازوی حسناتم قرار دهی.

بارالها! از تو چنان رحمتی می‌خواهم که قلبم به وسیله آن هدایت شود و آشفتگی‌ام بهبود یابد و چهره‌ام سفید و معلم پاک شود، چنان رحمتی که با آن هدایت و رشد را به من الهام کنی و با آن مرا از هر بدی و گزند حفاظت کنی.

حمص ۱۴ جمادی الآخر ۱۴۲۶ هـ الموافق با ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۵ م

دکتر حسان شمسی باشا